

عنوان مقاله:

فلسفه و سیاست: نقش معرفت شناسی پوپر و هایک در مجادلات سیاسی قرن بیستم

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 13، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

محمد عابدی اردکانی - دانشیار دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد

ریحانه میرجلیلی - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد

خلاصه مقاله:

عدالت، آزادی و دموکراسی از جمله مهم ترین مقوله هایی هستند که نه تنها در گذشته فیلسوفان سیاسی با آنها سروکار داشته اند، بلکه در تاریخ معاصر غرب نیز مورد مناقشه آنهاست. پوپر و هایک دو متفکر قرن بیستم اند که از منظر «معرفت شناسی»، مفاهیم فوق را به سمت مجادلات جدی در اندیشه سیاسی سوق داده اند. مقاله حاضر سعی دارد با تکیه بر معرفت شناسی پوپر و هایک، دغدغه های فکری این دو متفکر که عمدتاً در مقابله با ایدئولوژی توتالیتراریسم نمایان شده است، مورد بررسی مقایسه ای قرار دهد. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که هایک، به دلیل تکیه بر «نظم خودانگیخته» و «نقد عقل گرایی مدرن» در معرفت شناسی، هر گونه تلاش سازمان یافته و برنامه ریزی شده برای بازسازی عقلانی جامعه را بیهوده می داند. اما پوپر، به سبب تأکید بر «عقل گرایی انتقادی»، «لغزش پذیری» و «ابطال پذیری» در معرفت شناسی، معتقد به اصل «مهندسی اجتماعی تدریجی» است. با وجود این، هر دو متفکر مدافع اندیشه «آزادی»، «جامعه باز» و «دموکراسی» هستند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد مقایسه ای است و جمع آوری داده ها نیز از طریق کتابخانه ای و استفاده از منابع معتبر صورت گرفته است.

کلمات کلیدی:

آزادی، نظم خودانگیخته، مهندسی اجتماعی، هایک، پوپر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1591975>

